

بررسی اثر وضع مالیات بر نرخ سود سپرده‌های بانکی بر متغیرهای اقتصادی - امنیتی و ارائه راهکارهای مرتبط با آن جهت تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بهزاد سلمانی^۱

صابر خداوردیزاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۱۲/۲۴

چکیده

مبحث وضع مالیات بر نرخ سود سپرده‌های بانکی به یکی از مباحث نوین در بین اقتصاددانان و سیاستمداران تبدیل شده است. در این راستا هدف از مطالعه حاضر بررسی اثرات وضع مالیات بر نرخ سود سپرده‌های بانکی بر متغیرهای اقتصادی - امنیتی و نحوه اثر آن بر تولید ناخالص داخلی (به‌عنوان یکی از عوامل ارتقای اقتصاد مقاومتی) با استفاده از رویکرد غیرخطی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۹۵ است. نتایج حاصل از رویکرد غیرخطی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی نشانگر آن است شوک‌های مثبت و منفی نرخ سود موجب افزایش تولید ناخالص داخلی شده است. همچنین شوک مثبت و منفی نرخ سود به ترتیب موجب کاهش و افزایش درآمد مالیاتی شده است. نهایتاً ورود و خروج سرمایه در اثر اعمال مالیات بر نرخ سود روند کاهشی به خود گرفته است.

واژگان کلیدی: مالیات بر نرخ سود سپرده، تولید ناخالص داخلی، بازارهای موازی، رویکرد غیرخطی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی.

^۱ استاد دانشگاه تبریز. (behsalmani@gmail.com)

^۲ دکتری اقتصاد بین الملل دانشگاه تبریز، نویسنده مسئول. (saber_khodaverdizadeh@yahoo.com)

۱. مقدمه

مالیات، یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت است که در اجرای عدالت اجتماعی، مقابله با تورم و ترغیب سرمایه‌گذاری ابزار مناسبی به حساب می‌آید. به کارگیری یک سیستم مالیاتی دارای شرایط مهمی چون عدالت و کارایی است که بر اساس آن، مالیات بر مصرف با اصل فایده و مالیات بر ارزش افزوده با اصل توانایی پرداخت سازگاری خواهند داشت (جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۹۵). در اقتصاد ایران به دلیل مشکلات ساختاری که ریشه آن به مجموعه عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برمی‌گردد، اهمیت و اثربخشی مالیات‌ها در نظام اقتصادی به ویژه در بودجه‌های سالانه چندان موردتوجه قرار نگرفته است و تأمین مصارف بودجه از محل درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، تفکر جدی و کارشناسانه برای ایجاد اصلاحات در نظام مالیاتی را ضعیف نموده و با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. تحریم‌های اقتصادی طی سال‌های اخیر، دولت را مجاب کرده است که اهمیت بیشتری برای درآمدهای مالیاتی در راستای توسعه کشور داشته باشد. گسترش پایه مالیاتی به همراه بهبود عملکرد نظام مالیاتی موجود از راهبردهای اساسی به منظور اصلاح ساختار نظام مالیاتی است.

اخیراً سازمان امور مالیاتی کشور به منظور دستیابی به یک سیستم بهینه و مطلوب مالیاتی، از یک طرف شناسایی پایه‌های جدید مالیاتی و از طرف دیگر تغییر سیاست‌های حاکم بر پایه فعلی را موردتوجه قرار داده است. در این میان یکی از انواع پایه‌های مالیاتی، مالیات بر نرخ سود سپرده‌های بانکی است. اخذ مالیات از سود سپرده‌ها به مفهوم آن است که صاحبان سپرده‌ها و سرمایه‌نیز همانند کارگران و کارکنان نسبت به سودی که از بابت سپرده‌گذاری در بانک به دست می‌آورند، مالیات مشخصی را بایستی پرداخت کنند و عدم تحقق این امر به معنی ظلم مالیاتی است که نسبت به سایر عوامل تولید تحمیل می‌شود.

درباره وضع مالیات بر نرخ سود سپرده، دیدگاه‌های موافق و مخالفی وجود دارد که می‌تواند از جمله آن‌ها چنین اشاره کرد: دغدغه اساسی مخالفان عملیاتی کردن این طرح بحث امنیت اقتصادی می‌باشد. امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی کشورها است. به طوری که در نبود امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذار داخلی و خارجی تمایلی به سرمایه‌گذاری و تولید نخواهد داشت؛ بنابراین فعالیت‌های سوداگرانه رونق خواهد یافت. لذا اقتضای سلامت و امنیت اقتصادی در ایجاد بسترهای هموار و حذف موانع پیش‌روی سرمایه‌گذاری می‌باشد. در واقع می‌تواند گفت که امنیت یکی از مهم‌ترین کالاهای عمومی است که از سوی دولت و حاکمیت باید تولید و در سطح بهینه‌ای عرضه شود. بدیهی است که این کالای عمومی زمینه‌ساز رونق اقتصادی بوده و سرمایه‌گذاری نیز خود نوعی امنیت ایجاد می‌کند. از سویی موافقین این طرح به رد دیدگاه مخالفین نمی‌پردازند اما چنین استدلال می‌کنند که اخذ مالیات از سود سپرده‌ها با تحمیل هزینه‌بر سپرده‌گذاران از جذابیت سپرده‌های بلندمدت بانکی برای سپرده‌گذاران خواهد کاست و عاملی برای انتقال سپرده‌های بلندمدت به کوتاه‌مدت شده و انتظار می‌رود بخش تولیدی کشور از این فرآیند انتقال سپرده ذی‌نفع شود. مخالفان عملیاتی کردن طرح مالیات بر نرخ سود سپرده‌های بانکی معتقدند که این طرح، از طرفی موجب تغییر مسیر سرمایه‌گذاری سپرده‌گذاران از بانک‌ها به سمت بازارهای موازی شده و این امر موجب کاهش سپرده‌های بانکی می‌گردد. از سوی دیگر در پی افزایش سفته‌بازی و سوداگری در بازارهای غیرشفاف پولی و مالی، اقتصاد کشور با بی‌انضباطی‌ها و ناامنی روبرو خواهد شد. در این میان کشور جمهوری

اسلامی ایران به واسطه وضع و تدوین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۱ که توسط مقام معظم رهبری بیان شده است از شرایط متفاوت‌تری برخوردار بوده و در این بین علاوه بر لزوم تغییر پایه‌های مالیاتی در راستای بهبود عدالت اجتماعی، بحث تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز مطرح می‌باشد. باتوجه به مباحث ارائه شده تحقیق حاضر به دنبال آن است که اثرات وضع مالیات بر نرخ سود سپرده‌های بانکی بر متغیرهای اقتصادی- امنیتی و نحوه اثر آن بر تولید ناخالص داخلی (به‌عنوان یکی از عوامل بهبود اقتصاد مقاومتی) را با استفاده از رویکرد غیرخطی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی^۲ مورد بررسی قرار دهد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

باتوجه به اینکه میزان سود واقعی بانک‌ها نسبت به سود سپرده‌های مدت دار طی ۲۰ سال گذشته تقریباً همیشه منفی بوده، ولی همه ساله میزان سپرده‌های مدت‌دار رشد کرده است. از سوی دیگر بانک‌ها امکان پاسخگویی به خیل متقاضیان تسهیلات برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و ... را دارا نیستند. به‌علاوه اختلاف شدید متوسط وزنی نرخ‌های سود سپرده‌های پرداختی، با متوسط وزنی نرخ‌های سود تسهیلات اعطایی در نظام بانکی به بیش از ده درصد می‌رسد که همین تفاوت باعث شده تا ناکارآمدی بانک‌ها از نظرها دور بماند. بر این اساس تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم، طرحی را به‌عنوان «منطقی کردن نرخ تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی» طراحی و تقدیم مجلس نموده‌اند که یک فوریت آن هم به تصویب مجلس رسید. در این میان الگوی جامعی توسط بیژن بیدآبادی برای نرخ سود تسهیلات بانکی طراحی شد. بدین گونه که نرخ بهره تسهیلات را در سال اول ۱ درصد، در سال دوم ۲ درصد، در سال سوم ۳ درصد و در سال چهارم ۴ درصد کاهش داد. نتایج حاکی از آن است که اجرای این سیاست اثر مثبتی بر رشد اقتصادی از طریق افزایش تولید ناخالص داخلی غیرنفتی بر جای گذاشت.

۲-۱. شوک‌های مالیاتی و اثرات آن بر اقتصاد با تأکید بر تولید ناخالص داخلی

ازجمله سیاست‌هایی که توسط دولت در جهت تحقق اهداف اقتصادی به کار گرفته می‌شود، سیاست‌های مالی در قالب استفاده از ابزارهای عمده بودجه یعنی مخارج دولت و مالیات‌ها است. تغییرات در متغیرهای بودجه می‌تواند واکنش خودکار این متغیرها نسبت به تغییرات در شرایط اقتصادی باشد یا از سوی دولت و سیاست‌گذاران به‌صورت صلاح‌دیدگی و سیستماتیک انجام گیرد، اما از سوی دیگر این تغییرات ممکن است، تغییرات برون‌زا و پیش‌بینی‌نشده در سیاست‌ها را نشان دهد که از آن‌ها تعبیر به تکانه یا شوک‌های سیاست مالی می‌شود. در واقع منظور از تکانه مالی، هر نوع انحراف از قاعده و قانون بودجه به‌صورت غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده است (پروین و همکاران، ۱۳۹۱).

شوک‌های مالیاتی یکی از شوک‌های سیاست مالی اقتصاد می‌باشد. اعمال این شوک‌ها بسته به این‌که مثبت و یا منفی باشند، می‌تواند اثرات متفاوتی بر متغیرهای حقیقی مانند تولید کشور و یا متغیرهای اسمی مانند تورم

1. Resistive Economy

2. Nonlinear Autoregressive Distributed Lags

برجای بگذارد. اقتصاددانان بر این باور هستند که اثرات این شوک‌ها ممکن است در یک راستا و به یک اندازه نباشد. این تفاوت در راستای اثر و اندازه آن، به نامتقارن بودن اثر شوک‌های سیاست مالی تعبیر می‌گردد. نتایج غیرمستقیم مطالعات تجربی اخیر پیرامون نقش شوک‌های سیاست مالی در اقتصاد، حاکی از آن است که نه تنها این شوک‌ها تأثیر معنی‌داری بر فعالیت‌های حقیقی اقتصاد دارند، بلکه تأثیری نامتقارن نیز برجای می‌گذارند. از لحاظ تئوریک، دلایل متعددی برای اثرات نامتقارن شوک‌های سیاست مالی بر متغیرهای حقیقی وجود دارد (بوایسیوس^۱، ۲۰۱۵).

در باره ارتباط میان شوک‌های مالی و تولید ناخالص داخلی سه حوزه زیر قابل بررسی هستند: حوزه اول مربوط به آن‌هایی است که کانال اثرگذاری را ناحیه عرضه معرفی کرده‌اند. این گروه به عواملی چون چسبندگی دستمزدها و منشأ آن، چسبندگی قیمت‌ها و محدودیت‌های منابع، ظرفیت و تکنولوژی تولید اشاره می‌کنند. برخی از اقتصاددانان این حوزه معتقدند که سیاست‌های مالی دولت در شرایط مختلف تورمی، اثرات متفاوتی از خود برجای می‌گذارند. در واقع در صورت وجود منحنی عرضه به شکل L معکوس این امر اتفاق می‌افتد. اگر چنانچه قیمت‌های انتظاری متناسب با قیمت جاری تغییر کنند، در این صورت منحنی عرضه عمودی بوده و چنانچه قیمت انتظاری بیشتر از قیمت جاری رشد کند، منحنی عرضه کل، نزولی شده و شیب منفی خواهد داشت. با توجه به این که قیمت‌ها نسبت به تغییرات غیرقابل انتظار شوک‌های تقاضا چسبیده بوده ولی نسبت به تغییرات انتظاری تقاضا انعطاف‌پذیر است، این امر سبب ایجاد شکستگی در منحنی عرضه کل می‌شود (کاور^۲، ۱۹۹۲). از جمله این مطالعات می‌تواند به یافته‌های کندیل^۳ (۲۰۰۱) و کاراس^۴ (۱۹۹۶) اشاره کرد. شرایط اولیه اقتصادی نیز در تأثیرگذاری سیاست‌های مالی نقش مؤثرتری ایفا می‌نمایند؛ به عبارت دیگر، اثرات شوک‌های مالیات (مالی) در شرایط رکود و رونق اقتصادی ممکن است، متفاوت باشد. در یک نتیجه‌گیری کلی در صورت انعطاف‌پذیر بودن قیمت و دستمزد، سیاست‌های مدیریت تقاضا (سیاست‌های مالی) نقش مؤثرتری در تعیین متغیرهای حقیقی دارند.

حوزه دوم آن‌هایی که کانال اثرگذاری را از ناحیه تقاضای کل دنبال کرده‌اند. این گروه به تبعیت از کینز و ادبیات نظری وی بر روی ساختار سرمایه‌گذاری، ساختار بازار پول و ساختار مصرف متمرکز شده و رفتار اقتصادی خانوارها را در این خصوص در شرایط بسط فعالیت‌های اقتصادی منشأ عدم تقارن می‌دانند. در برخی از مفاهیم منتشر شده توسط این گروه از اقتصاددانان، عدم تقارن توسط نظریه محدودیت اعتباری^۵ گرتلر^۵ توضیح داده می‌شود. به این ترتیب که کاهش عرضه اعتبار به علت بحران‌های اقتصادی اثر کمتری بر فعالیت بنگاه‌های با مقیاس بالا دارد، زیرا بنگاه‌های بزرگ می‌توانند منابع مالی خود را مستقیماً از طریق بازار پول به دست آورند. بنگاه‌های کوچک نسبت به بنگاه‌های بزرگ از لحاظ تأمین مالی در طول دوره رکود اقتصادی نسبت به دوره رونق محدودیت بیشتری دارند. مطالعه تجربی توما (۱۹۴۴) از این دسته به حساب می‌آید. در حالی که مطالعات

1. Boiciuc

2. Cover

3. Kandil

4. Karras

5. Gertler

برونر و آمر عکس این اثر را نشان می‌دهند (هیوآشن^۱، ۲۰۰۰). همچنین مایلر و ولر (۱۹۹۰) استدلال می‌کنند که در بازار اعتبارات نیز شوک‌های انبساطی مخارج دولت، تقاضا برای تسهیلات و اعتبارات را افزایش می‌دهد. از آن‌جا که دولت با اعمال سیاست مالی، مبادرت به استقراض می‌کند، آن‌ها استدلال می‌کنند که ریسک تورم باعث افزایش تقویت اثر جانشینی از طریق نرخ بهره می‌شود. بررسی نتایج برخی از مطالعات تجربی نیز از جمله بلانچارد و پروتی^۲ (۲۰۰۲) با استفاده از یک چارچوب کلی نشان می‌دهد که اثرات شوک‌های مثبت سیاست مالی بر فعالیت‌های حقیقی و تولید، متفاوت از شوک‌های منفی سیاست مالی است، به طوری که شوک‌های منفی اثر کاهنده بر سرمایه‌گذاری دارد.

گروه سوم نیز آن دسته از اقتصاددانانی هستند که عناصر نهادی مانند بی‌اعتمادی در فضای کسب و کار، نبود نهادهای روان‌کننده محیط کسب و کار، سست بودن حقوق مالکیت و وجود موانع و عواملی که باعث ایجاد تأخیر در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی می‌شود را کانال اثرات نامتقارن شوک‌های سیاست مالی معرفی می‌کنند. از سوی دیگر وجود فضای ابهام و نا اطمینانی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث تأخیر در سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود.

۲-۲. راهکارهای کاهش گسترش سپرده‌های بانکی

برای کاهش آسیب‌های ناشی از گسترش سپرده‌های بانکی و کاهش جاذبه این پدیده و هدایت نقدینگی به سمت بازارهای مالی راهکارهای مختلفی می‌تواند به کار گرفت که از میان آن‌ها دو راهکار عملی‌ترند. این راهکارها عبارتند از: کاهش نرخ سود سپرده در بانک‌های دولتی و خصوصی و دریافت مالیات از سود سپرده‌های بانکی.

در حال حاضر نرخ سود در بازار مالی به مانع بزرگی بر سر اشتغال و تولید و به یک منبع ثبات‌زدایی برای نظام بانکی کشور تبدیل شده است. نرخ اسمی کنونی سود، هیچ تناسبی با بازدهی در سرمایه‌گذاری‌های مولد و نرخ تورم ندارد، به این معنا که نرخ بالای سود تسهیلات، هزینه مالی تولید را افزایش داده و نرخ تمام شده محصول را بالا برده است و در نهایت منجر به کاهش قدرت رقابت و تقلیل قدرت بازپرداخت تسهیلات دریافتی شده است. از سوی دیگر نرخ بالای سود سپرده هزینه تجهیز منابع بانکی را افزایش داده و موجب ناپایداری بانک‌ها شده است. نرخ بالای سود مطالبات غیرجاری را افزایش و انگیزه سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و بخش مسکن و ساختمان را کاهش می‌دهد. این در حالی است که نرخ مناسب سود انگیزه پس‌انداز و سپرده‌گذاری در نظام بانکی را حفظ می‌کند (سیدزاده، ۱۳۹۶).

دارایی‌های غیرمولد نیز چالش دیگری است که می‌تواند بدان اشاره کرد؛ دارایی‌هایی که تحت عنوان املاک تملیکی یا املاک مزاد طبقه‌بندی و به خصوص برای مؤسسات مالی در بازار سرمایه و بورس مخاطره به وجود آورده است. این دارایی‌ها در واقع نه تنها ارزش افزوده آن‌چنانی در جهت فعالیت‌های بانکی ایجاد نمی‌کند بلکه هزینه‌هایی را نیز برای آن‌ها در پی دارد؛ برای این که دارایی‌هایی هستند که از جریان فعالیت عادی بنگاه

1. Huashen

2. Blanchard and Perotti

اقتصادی کنار گذاشته شده و در موجودی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری رسمی کشور به‌عنوان دارایی‌های مازاد انباشته شده‌اند (زرین‌ماه، ۱۳۹۴). لازم به ذکر است که پس از کاهش نرخ سود سپرده‌گذاری، برای این که این نقدینگی سرگردان وارد بازارهایی مانند طلا و ارز نشود دولت باید نقش هدایتگر را داشته باشد تا بازارهای تولیدی و یا بازار سرمایه را محلی توجیه‌پذیر و امن برای سرمایه‌گذاری معرفی کند؛ زیرا در غیر این صورت، خطر بزرگ این خواهد بود که مردم منابع خود را از بانک‌ها بیرون آورند و در شرایط نیاز شدید بانک‌ها به این منابع، آن‌ها را به مؤسسات مالی و اعتباری ببرند.

بغزبان (۱۳۹۶) تنها راه کاهش سود تسهیلات را کاهش بازدهی بازارهای موازی عنوان کرده و معتقد است: تعیین سود تسهیلات درگیر یک چرخه باطل شده که بر روند تولید و انگیزه سرمایه‌گذاری در صنایع بسیار تأثیرگذار است، بنابراین کاهش آن به رونق تولید کمک خواهد کرد اما کاهش سود تسهیلات در گرو کاهش سود سپرده و کاهش سود سپرده نیز در گرو کاهش بازدهی بازارهای موازی همچون سکه، ارز و خودرو است. دولت اگر بتواند نوسانات ارز و سکه را محدود و خریدوفروش خودرو را از فرآیندی درآمدزا خارج کند می‌تواند به مرور زمان اقدام به کاهش سود تسهیلات کند.

۲-۳. ارتباط میان مالیات و نرخ سود سپرده‌های بانکی

مالیات بر سود سپرده بانکی، مالیاتی است که بر سود حاصل از سپرده‌گذاری در بانک و مؤسسات مالی اخذ می‌شود. برای مثال اگر بر اساس سپرده‌گذاری در بانک مبلغی به‌عنوان سود واریز شود این سود می‌تواند به روش‌های مختلف مشمول مالیات شود. از این سود می‌تواند مانند حقوق کارکنان مالیات تکلیفی به صورت درصد مشخص کسر کرد و یا این سود به‌عنوان درآمدهای مشمول مالیات در اظهارنامه سالیانه لحاظ شود (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶) به طور کلی به سه طریق می‌تواند از سود سپرده-های بانکی مالیات اخذ کرد:

الف) اعمال مالیات تکلیفی

در گروه اول، بخشی از سود بانکی به‌عنوان مالیات از سود سپرده‌های بانکی کسر می‌شود. در این رویکرد بلافاصله پس از واریز اصل سود به حساب سپرده‌گذار، مالیات از حساب فرد به‌عنوان «مالیات تکلیفی بر سود» کسر می‌شود.

ب) احتساب سود سپرده‌ها به‌عنوان درآمد مشمول مالیات

در کشورهای عضو گروه جی ۲۰، میزان سود دریافتی باید در انتهای سال همانند سایر درآمدها و هزینه‌های قابل قبول مالیاتی به مراجع مالیاتی اعلام شود و درنهایت با کسر هزینه‌ها از درآمدها و اعمال قوانین تعریف شده، مالیات قابل پرداخت تعیین شود.

ج) رویکرد ترکیبی

در این رویکرد، اصل بر احتساب سود به عنوان درآمد مالیاتی است، اما به دلایل مختلف از جمله تأمین درآمد برای دولت در طول سال، مالیات تکلیفی با یک نرخ پایه از سود پرداختی کاسته می‌شود؛ اما نهایتاً سود کسب شده به عنوان درآمد مالیاتی فرد در نظر گرفته می‌شود و مالیات تکلیفی پرداخت شده به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی لحاظ می‌شود. بدین ترتیب اگر مالیات پرداختی کمتر از آنچه محاسبه می‌شود، تعیین شود فرد ملزم به پرداخت مابه‌التفاوت است و اگر مالیات پرداختی بیش از میزان محاسبه شده باشد، دولت میزان مازاد را به فرد عودت می‌دهد. کشورهای هندوستان، فرانسه، مکزیک و کره جنوبی از این روش استفاده می‌کنند.

۲-۴. اثر وضع مالیات بر نرخ سود در چارچوب تئوری تقاضای پول فیشر و داربی

در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، متخصصین اقتصاد و جامعه مالی به طور فزاینده تجزیه و تحلیل تئوری فیشر مبنی بر اثرات تغییرات تورم پیش‌بینی شده بر روی نرخ بهره را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در چند سال گذشته نظریه پردازانی مثل «فلداستین»^۱، «تانزی»، «داربی»^۲ نظریه «فیشر» را توسعه داده‌اند. آن‌ها اثر مالیات بر درآمد را بر اثر فیشر مورد ملاحظه قرار داده‌اند. طبق استدلال این گروه از نظریه‌پردازان، اگر فرض کنیم که بر درآمد بهره اسمی، مالیات بر درآمد تعلق می‌گیرد و اگر مالیات بر درآمد متناسب با نرخ T باشد، در این صورت، نرخ بهره واقعی بعد از مالیات^۳ (i^*) است که رفتار اقتصادی را شکل می‌دهد. این نتیجه در رابطه (۱) نشان داده شده است:

$$r^* = i(1 - T) + \pi \quad (1)$$

همچنین در رابطه (۱)، i نشانگر نرخ بهره اسمی و π نمایانگر نرخ تورم انتظاری است. راه حل ارائه شده برای نرخ بهره اسمی که به «اثر داربی» معروف است، توسط رابطه (۲) ارائه گردیده است:

$$i = r^* + \pi / (1 - T) \quad (2)$$

از طرفی اثر تورم بر روی نرخ بهره اسمی نیز به صورت رابطه (۳) نشان داده شده است:

$$\frac{di}{d\pi} = 1 / (1 - T) \quad (3)$$

1. Feldstein

2. Darby

3. After-Tax Real Interest Rates

در این راستا نتایج مشابهی توسط فلداستین (۱۹۷۶) درباره مدل رشد نئوکلاسیک یافت نشده است. در یک نمونه از مدل وی، اثر تورم بر روی تعادل پولی نادیده گرفته شده است. در نتیجه اثر تورم بر روی نرخ بهره اسمی به صورت رابطه (۴) می‌باشد:

$$\frac{di}{d\pi} = 1/(1 - \lambda) \quad (۴)$$

نشانگر λ در رابطه (۴)،

نرخ مالیات بر بنگاه است. در فرمول «داری» این مالیات بر درآمد فرد است که حائز اهمیت است در حالی که در مدل «فلداستین» مالیات بر بنگاه مدنظر می‌باشد. به نتیجه نرسیدن اثرات مالیات بر روی نرخ بهره بستگی به انتظارات تورمی از روند حرکتی قیمت‌های پیشین و تحقیقات انجام شده به وسیله انتظارات واقعی قیمت دارد (خواجه محمدملو و خداوسی، ۱۳۹۶). محققانی همچون کر، پسندو و اسمیت^۱ (۱۹۷۶) با توجه به تعریف انتظارات قیمتی با استفاده از هر دو رویکرد انتظارات تطبیقی و عقلایی، شواهد محدودی برای تأثیر مالیات بر نرخ بهره پرداخت شده بر اوراق قرضه بلندمدت به دست آورده‌اند و هیچ شواهدی برای مقادیر کوتاه‌مدت وجود ندارد. در این قسمت به مفهوم اقتصاد مقاومتی در راستای ارتقای تولید به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی اش پرداخته می‌شود.

۲-۵. مفهوم اقتصاد مقاومتی

در یک تعریف جامع سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط رهبر معظم انقلاب در ۱۶ شهریور ۱۳۸۹ با رویکردی جهادی و با هدف تأمین رشد و بهبود شاخص‌های اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله ارائه شده است. اقتصاد مقاومتی الگویی است که در تلاش است از یکسو با ترمیم ساختارهای نامناسب اقتصاد داخلی و با در نظر گرفتن استقلال کشور، به تعادل در رقابت بین‌المللی دست یابد و از سوی دیگر با تأکید بر کارآفرینی، نوآوری و بهره‌وری، در جهت توسعه پایدار گام‌های عملیاتی بردارد. در مجموع می‌تواند گفت که اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، اقتصادی است که دو ویژگی اساسی دارد (میرمعزی، ۱۳۹۱):

در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می‌بیند. تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می‌کند. اسدی و همکاران (۲۰۱۵) اقتصاد مقاومتی را اقتصاد موازی در نظر گرفته و سه تعریف ارائه کرده‌اند. در تعریف اول آمده است که نظام اسلامی به سبب کارکرد و اهداف، دارای ماهیت مقاومتی است و در نتیجه نیازمند نهادهایی است تا این اهداف را پوشش دهند، چرا که سازمان‌های رسمی چنین توانایی را ندارند. تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی این است که هدف اصلی آن‌ها پوشش کسری و کمبود، پر کردن شکاف‌ها و اصلاح ساختار و نهادهای اقتصادی غیرکارا است. همچنین سومین نوع اقتصاد مقاومتی مربوط به جنبه تهاجمی و تدافعی اقتصاد مقاومتی است. می‌تواند گفت که هر سه تعریف پیرامون اقتصاد مقاومتی صحیح است و هر یک به جنبه‌ای از این الگو پرداخته است.

1. Carr, Pesando and Smith

عنوان اقتصاد مقاومتی در ادبیات متعارف علم اقتصاد معادل دقیقی ندارد. از این رو می‌تواند گفت که این واژه برگرفته از فرهنگ اسلامی ایرانی کشور می‌باشد.

اصلاحاتی همچون ضدشکنندگی اقتصادی^۱، پایداری و تداوم اقتصادی^۲، ثبات اقتصاد کلان^۳، اقتصاد بازدارنده و بازدارندگی اقتصادی^۴، مقاوم بودن اقتصادها و نهادها^۵، وضعیت ایستایی در اقتصاد^۶، تحریم‌شکنی اقتصادی^۷ و نهایتاً اقتصاد مقاومتی حمایتی^۸ به معنای ایجاد چتر حمایتی توسط سیاست‌های اقتصادی از یک موضوع خاص همچون بخش تأمین انرژی و یا بخش تولید و کارآفرینی است (خوانساری و قلیچ، ۱۳۹۴). در تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی، بریگوگلیو و همکاران^۹ (۲۰۰۹) مقاومت اقتصادی را در تاب‌آوری یا بازیابی خود پس از شوک‌های اقتصادی تعریف کرده است. در بسیاری از لغت‌نامه‌ها، تاب‌آوری را به توانایی بازگشت سریع به حالت اولیه تعبیر می‌کنند. با این پیش فرض اقتصاد مقاومتی با سه توانایی تعریف می‌شود: توانایی بازیابی و برگشت به حالت اولیه بعد از وارد شدن شوک‌های خارج از سیستم^{۱۰}، توانایی ایستادگی و مقابله در مقابل تکان‌ها یعنی جذب شوک^{۱۱} و توانایی اجتناب از شوک (دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳). اقتصاد باید از سازوکارهایی برخوردار باشد که اثرات شوک‌ها را کاهش دهد.

۶-۲. پیشینه تحقیق

۶-۲-۱. مطالعات خارجی

سندمو^{۱۲} (۱۹۸۵) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل‌های رشد درون‌زا، با در نظر گرفتن عرضه نیروی کار درون‌زا در الگوی مصرف دو دوره‌ای نشان می‌دهد که افراد سپرده‌گذار با کاهش نرخ بهره به دلیل کاهش اثر درآمدی، اقدام به عرضه نیروی کار بیشتر نموده و امکان افزایش در پس‌انداز فرد وجود دارد. همچنین وی در ادامه به ناقص بودن بازارها و عدم تقارن اطلاعات در دنیای واقعی اشاره نموده و نشان می‌دهد که محدودیت و جیره‌بندی اعتبارات، سبب کاهش اثر جانشینی برای قرض‌گیرنده می‌شود؛ بنابراین متقاضیان تسهیلات در شرایط محدود بودن اعتبارات، دارای حساسیت کمتری نسبت به نرخ بهره (مالیات بر بهره) هستند.

کمینال^{۱۳} (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر مالیات سود سپرده بر حجم سپرده با استفاده از روش تعادل عمومی پرداخته است. این مطالعه یک چارچوب یکپارچه از توابع مختلف بانک‌ها را در نظر می‌گیرد. وی با در

1. Economic Anti-fragility

2. Sustainable and Persistent Economy

3. Macroeconomic Stability

4. Economic Deterrence

5. Robustness of Institutions and Economies

6. Stationary in Economics

7. Sanction Busting

8. Supportive Resistance Economics

9. Briguglio et al

10. Shock-Counteraction

11. Shock-Absorption

12. Sandmo

13. Caminal

نظر گرفتن خانوارهای عجول و صبور به این نتایج دست یافت که تأثیر مالیات بر حجم سپرده، به عوامل زیادی از جمله رقابت و سودآوری بانک‌ها، میزان توسعه بازارهای مالی و وجود ابزارهای مالی کارا، درجه ریسک محیط سرمایه‌گذاری و قوانین مالیاتی بستگی دارد. نتایج نشانگر آن است که مالیات بر سود سپرده از یک طرف موجب کاهش حجم سپرده‌ها و از سویی افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم می‌گردد.

هملگرن و نیکودم^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی اولین سال اجرای مالیات دستوری بر پس‌اندازهای اروپایی تأثیرات اقتصادی مالیات اعمال شده بر پس‌انداز مشتریان اروپایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه از اطلاعات آماری کشورهای عضو اتحادیه اروپا و پانزده کشور دیگر استفاده شده است. این تحقیق به معرفی یک سیستم مالیاتی بر سود پرداختی توسط سایر کشورها به مشتریان اروپایی، به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مالیات وضع شده بر سود سپرده‌های بانکی تأثیر عمده‌ای بر مقدار پس‌اندازها نداشته است.

مشتاک و سیدیکوی (۲۰۱۷) اثر نرخ بهره بر روی سپرده‌های بانکی کشورهای اسلامی و غیراسلامی را طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۰ با استفاده از رویکرد پانل میانگین گروهی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشانگر آن است که در کشورهای اسلامی نرخ بهره هیچ اثری بر روی سپرده‌های بانکی در بلندمدت و کوتاه‌مدت ندارد. در حالی که در کشورهای غیراسلامی نرخ بهره اثر مثبت و معنی‌داری بر سپرده‌های بانکی دارد. از این رو، نیاز به بانک‌های اسلامی در کشورهایی با جمعیت مسلمان بیشتر وجود دارد. همچنین بایستی سیاست‌های اقتصادی مختلفی برای کشورهای اسلامی وجود داشته باشد؛ زیرا عوامل مذهبی تحت تأثیر تصمیم مسلمانان قرار دارند و نرخ بهره هیچ تأثیری بر سپرده‌های بانکی ندارد.

۲-۶-۲. مطالعات داخلی

تقوی و همکاران (۱۳۸۸) برای انجام اصلاحات ساختاری با هدف بهبود نظام مالیاتی کشور به بررسی وضع مالیات بر عایدی سرمایه با استفاده از روش تعادل عمومی پرداختند. نتایج حاصل از بررسی ادبیات تئوریک، تجربی و بررسی تجربیات مرتبط با کشورهای مختلف در این زمینه نشان می‌دهد که برای وضع مالیات بر عایدی سرمایه باید به مباحث عایدی واقعی و غیرواقعی، عایدی بلندمدت و کوتاه‌مدت، تعدیلات نسبت به تورم و استهلاك در عایدی ایجاد شده، تفاوت عایدی با درآمد معمولی افراد و نحوه برخورد با زیان در مقابل عایدی توجه کافی شود. در زمینه بررسی آثار این مالیات نیز نتایج نشان می‌دهد که وضع این مالیات می‌تواند برخی از متغیرهای اقتصادی نظیر سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، سیاست‌های مالی شرکت‌ها، ترکیب سبد دارایی خانوارها، هزینه سرمایه و تقاضا برای دارایی‌ها و تعداد دفعات مبادله دارایی‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

سلمانی بیشک و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات درآمد مالیاتی و امنیت اقتصادی در ایران طی دوره زمانی (۱۳۹۰-۱۳۵۵) بر اساس آزمون علیت تودا و یاماموتو مورد پرداخته است. نتایج به‌دست آمده حاکی از این امر است که در ایران رابطه علی یک سویه بین نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP و امنیت اقتصادی وجود دارد؛ بنابراین با توجه به پایین بودن نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP در کشور و رابطه علی یک طرفه

1. Hemmelgarn and Nicodem

بین این متغیر و امنیت اقتصادی نظام مالیاتی نیازمند بازنگری اساسی است تا امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشور تأمین شده و به تبع آن درآمدهای مالیاتی نیز افزایش یابد. خدادادکاشی و جانی (۱۳۹۴) با استفاده از داده‌های سالانه ۱۳۹۱-۱۳۵۲ به بررسی امکان برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در ایران با تأکید بر کارایی تخصیصی پرداختند. نتایج حاصل از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی نشان می‌دهد که با فرض اعمال یک واحد مالیات بر نرخ سود سپرده در سال ۱۳۸۹ و در نتیجه، افزایش نرخ سود به میزان یک درصد، زیان رفاهی ناشی از اخذ مالیات برابر با ۳۱۳۷ میلیارد ریال و درآمد دولت به میزان ۱۹۰۷۶ میلیارد ریال می‌باشد. همچنین یافته‌های این تحقیق دلالت بر آن دارد که بانک‌ها در هدایت سپرده‌ها به سمت سرمایه‌گذاری نقش مثبتی را ایفاء می‌نمایند در حالی که مخارج دولت (که بخشی از آن ناشی از درآمدهای مالیاتی است) تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. این نتایج گویای این واقعیت هستند که مالیات بر سود سپرده، موجب انحراف در تخصیص منابع شده و زیان اجتماعی را در پی خواهد داشت.

مداح و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر مالیات بر سود سپرده‌های بانکی با استفاده از مطالعات انجام شده و اطلاعات کتابخانه‌ای در حوزه مالیات و سپرده بانکی پرداختند. در این مطالعه ضمن بررسی تأثیر مالیات بر سود سپرده‌های بانکی به بررسی رابطه بین سپرده‌های بانکی و حجم نقدینگی، تورم، نرخ ارز، رشد اقتصادی و ارتباط بین مالیات و سود سپرده‌ها پرداخته شد. نتایج نشانگر آن است که اعمال این نوع مالیات باعث افزایش حجم نقدینگی خواهد شد، در این حالت دولت باید زمینه‌ای را فراهم آورد که به سرعت این حجم نقدینگی جذب بازارهای مالی دیگر شود و باعث برهم زدن ثبات اقتصادی نشود. از طرفی دولت باید با اعمال سیاست‌هایی بنگاه‌های تولیدی و خدماتی بزرگ را به تأمین مالی از بازارهای مالی نظیر بورس و اوراق بهادار وادار نماید تا بنگاه‌های کوچک تولیدی و خدماتی بتوانند از طریق بانک‌ها منابع مورد نیاز خود را تأمین کنند و به عرصه صنعت وارد شوند. باتوجه به پیشینه تحقیق تفاوت مطالعه حاضر با سایر تحقیقات در آن است که مطالعه پیش رو به بررسی اثرات وضع مالیات بر نرخ سود سپرده‌های بانکی بر متغیرهای اقتصادی - امنیتی با استفاده از رویکرد غیرخطی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی می‌پردازد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

جهت بررسی اثرات نامتقارن شوک‌های مالیات بر نرخ سود سپرده‌های بانکی بر متغیرهای اقتصادی - امنیتی از الگوی غیرخطی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده شده است. مدل NARDL که توسط شین^۱ و همکاران (۲۰۱۱) توسعه یافته، از مؤلفه‌های مجموع تجمعی مثبت و منفی در تشخیص اثرات نامتقارن در دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت استفاده می‌کند. دلیل این انتخاب مزیت‌های زیادی است که روش NARDL نسبت به سایر روش‌های هم‌انباشتگی مانند انگل-گرنجر (۱۹۸۷) و خصوصاً جوهانسون-

جوسیلیوس (۱۹۹۰) دارد و لذا به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم‌ترین مزیت این روش، قابلیت استفاده از آن برای بررسی روابط بین متغیرها، صرف‌نظر از مانا بودن یا نبودن آنهاست. در این روش عدم تقارن کوتاه‌مدت و بلندمدت معین می‌شود. همچنین علاوه بر امکان محاسبه روابط بلندمدت بین متغیرها، امکان محاسبه روابط پویا و کوتاه‌مدت وجود دارد و برخلاف سایر روش‌ها حتی در نمونه‌های کوچک هم نتایج قابل اعتمادی دارد. در نهایت زمانی که متغیرهای توضیحی درون‌زا هستند، ممکن می‌باشد (آلام و کوزای^۱، ۲۰۰۳).

پیش از توسعه کامل مدل NARDL، با فرض دو متغیر وابسته Y و مستقل X رابطه بلندمدت (۵) را بر اساس مطالعه گرنجر و یون^۲ (۲۰۰۲)، تعریف می‌کنیم:

$$y_t = \beta^+ x_t^+ + \beta^- x_t^- + u_t \quad (5)$$

که در رابطه (۵)، Y_t و X_t متغیرهای انباشته از مرتبه یک $I(1)$ هستند و داریم:

$$x_t = x_0 + x_t^+ + x_t^- \quad (6)$$

$$x_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^+ = \text{Max}(\Delta x_j, 0), \quad x_t^- + \sum_{j=1}^t \Delta x_j^- = \text{Min}(\Delta x_j, 0) \quad (7)$$

ترکیب خطی هم انباشته مؤلفه‌های مجموع تجمعی مثبت و منفی را در نظر می‌گیریم:

$$z_t = \beta_0^+ y_t^+ + \beta_0^- y_t^- + \beta_1^+ x_t^+ + \beta_1^- x_t^- \quad (8)$$

اگر Z_t انباشته از مرتبه صفر باشد، در این صورت گفته می‌شود که Y_t و X_t به صورت نامتقارن هم انباشته‌اند. چنان‌چه $\beta_0^+ = \beta_0^-$ و $\beta_1^+ = \beta_1^-$ باشد، در این صورت هم انباشتگی متقارن خواهد بود (شودرت^۳، ۲۰۰۳).

حال با در نظر گرفتن نحوه جداسازی تکانه‌های مثبت و منفی متغیر X و وارد کردن آن در یک مدل $ARDL(p,q)$ به مدل $NARDL(p,q)$ به صورت رابطه (۹) خواهیم رسید:

-
1. Alam & Quazy
 2. Grange & Yoon
 3. Schorderet

$$y_t = \sum_{j=1}^p \varphi_j y_{t-j} + \sum_{j=0}^q (\theta_j^+ x_{t-j}^+ + \theta_j^- x_{t-j}^-) + \varepsilon_t \quad (۹)$$

که در رابطه (۹)، تعداد وقفه‌های بهینه، ضرایب وقفه‌های متغیر وابسته، θ_j^+ و θ_j^- ضرایب نامتقارن وقفه‌های متغیر وابسته و ε_t جمله‌های اخلاص با میانگین صفر و واریانس ثابت است.

هر رابطه بلندمدت در مدل $ARDL(p,q)$ یک ECM کوتاه‌مدت دارد که دستیابی به آن تعادل را تضمین می‌کند. بر این اساس در مدل $NARDL$ نیز الگوی تصحیح خطا به صورت رابطه (۱۰) تنظیم می‌شود:

$$\Delta y_t = \rho y_{t-1} + \theta^+ x_{t-1}^+ + \theta^- x_{t-1}^- + \sum_{j=1}^{p-1} \gamma_j y_{t-j} + \sum_{j=0}^{q-1} (\theta_j^+ \Delta x_{t-j}^+ + \theta_j^- \Delta x_{t-j}^-) + \varepsilon_t = \rho \xi_{t-1} + \sum_{j=1}^{p-1} \gamma_j y_{t-j} + \sum_{j=0}^{q-1} (\theta_j^+ \Delta x_{t-j}^+ + \theta_j^- \Delta x_{t-j}^-) \varepsilon_t \quad (۱۰)$$

که در رابطه (۱۰) داریم:

$$\rho = \sum_{j=1}^p \varphi_j - 1, \gamma_j = -\sum_{i=j+1}^p \varphi_i \text{ for } j = 1, \dots, p-1, \theta^+ = \sum_{j=0}^q \theta_j^+, \theta^- = \sum_{j=0}^q \theta_j^-, \quad (۱۱)$$

$$\theta_0^+ = \theta_0^+, \theta_j^+ = -\sum_{i=j+1}^q \theta_i^+ \text{ for } j = 1, \dots, q-1, \theta_0^- = \theta_0^-, \theta_j^- = -\sum_{i=j+1}^q \theta_i^- \text{ for } j = 1, \dots, q-1 \quad (۱۲)$$

همچنین، $\beta^+ = -\theta^+/\rho$ و $\beta^- = -\theta^-/\rho$ ضرایب بلندمدت نامتقارن می‌باشد (شین و همکاران، ۲۰۱۱).

به منظور بررسی وجود مرتبه هم‌انباشتگی یکسان بین متغیرها، منفی و معنادار بودن ضریب ξ_{t-1} در تخمین ضرایب کوتاه‌مدت، بیانگر وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها خواهد بود.

متغیرهای تحقیق نیز عبارتند از:

- GDP : تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۸۳
- PB_t^+ : شوک مثبت نرخ سود (معادل شوک منفی مالیات) و به صورت رابطه (۳-۹۸) محاسبه می‌گردد:

$$PB_t^+ = \sum_{t=1360}^{1395} \Delta PB_t^+ = \text{Max}(\Delta PB_t, 0) \quad (۱۳)$$
- PB_t^- : شوک منفی نرخ سود (معادل شوک مثبت مالیات) است و به صورت رابطه (۳-۹۹) محاسبه می‌شود:

$$PB_t^- = \sum_{t=1360}^{1395} \Delta PB_t^- = \text{Min}(\Delta PB_t, 0) \quad (۱۴)$$

TR: درآمدهای مالیاتی دولت و MDB: حجم سپرده‌های بانکی و NFLOW: جریان ورود و خروج سرمایه است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

گام نخست در انجام تخمین‌های سری‌های زمانی بررسی وضعیت ایستایی متغیرها می‌باشد. بر این اساس در مطالعه حاضر با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته پایایی متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد با توجه به نتایج جدول (۱) مشاهده می‌شود که متغیرهای درآمد مالیاتی، نرخ سود سپرده‌های بانکی، شوک‌های مثبت و منفی نرخ سود بانکی، حجم سپرده‌های بانکی و ورود و خروج سرمایه پس از یک مرتبه تفاضل‌گیری ایستا گردیده‌اند. در حالی که تولید ناخالص داخلی در سطح ایستا می‌باشد.

جدول شماره (۱) نتایج آزمون ریشه واحد (ADF)

نام متغیر	آماره آزمون در سطح	آماره آزمون با یک مرتبه تفاضل‌گیری
GDP	-۳/۵۰۶ (۰/۰۵۴)	-
TR	-۱/۹۳۶ (۰/۶۱۴)	-۴/۵۱۵ (۰/۰۰۵)
PB	-۲/۵۰۷ (۰/۳۲۲)	-۶/۰۴ (۰/۰۰۰)
PB ⁺	-۱/۴۲۶ (۰/۸۳۴)	-۶/۵۲۸ (۰/۰۰۰)
PB ⁻	-۱/۰۰۲ (۰/۹۹۹)	-۳/۸۹۷ (۰/۰۲۴)
MDP	-۰/۷۳۱ (۰/۹۶۲)	-۶/۱۲۶ (۰/۰۰۰)
NFLOW	۱/۱۲۹ (۰/۹۹)	-۳/۴۸۶ (۰/۰۱)

مأخذ: محاسبات تحقیق

در گام بعدی به بررسی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت شوک‌های مثبت و منفی مالیات بر نرخ سود بر متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است در این رویکرد شوک مثبت مالیاتی (معادل شوک منفی نرخ سود) و شوک منفی مالیاتی (معادل شوک مثبت نرخ سود) در نظر گرفته می‌شود.

الف) شوک‌های مثبت و منفی نرخ سود بر تولید ناخالص داخلی در کوتاه‌مدت و بلندمدت

جدول شماره (۲) ضرایب الگوی کوتاه‌مدت NARDL (اثر شوک مالیات بر نرخ سود بر تولید)

متغیر توضیحی	ضریب
GDP(-1)	۰/۲۷۱ (۰/۰۰۵)
PB ⁺ (-2)	۰/۰۴ (۰/۰۰۰)
PB ⁻ (-4)	-۰/۰۷۷ (۰/۰۰۰)
PB	-۰/۰۳۱ (۰/۰۰۸)
C	۱/۰۸۳ (۰/۲۳۴)

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره (۳) ضرایب الگوی بلندمدت NARDL (اثر شوک مالیات بر نرخ سود بر تولید)

تأثیر بلندمدت (-)			تأثیر بلندمدت (+)			متغیر توضیحی
P>F	آماره F	ضریب	P>F	آماره F	ضریب	
۰/۰۲۱	۴/۱۳۹	-۰/۰۶۳	۰/۰۹۱	۲/۷۳	۰/۰۸	نرخ سود بانکی
عدم تقارن در کوتاهمدت			عدم تقارن در بلندمدت			
P>F	آماره F		P>F	آماره F		
۰/۰۱۷	۶/۵۴۷		۰/۰۳۹	۵/۳۹۸		نرخ سود بانکی

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۲) وقفه اول تولید ناخالص داخلی اثر مثبت بر تولید ناخالص داخلی دوره جاری داشته است. از طرفی شوک مثبت نرخ سود موجب افزایش تولید ناخالص داخلی شده است. شوک منفی نرخ سود نیز موجب کاهش تولید ناخالص داخلی گردیده است. از طرفی نتایج حاصل از جدول (۳) حاکی از آن است که شوک‌های مثبت و منفی نرخ سود موجب افزایش تولید ناخالص داخلی شده است. از طرفی درباره متغیر نرخ سود بانکی می‌تواند عنوان کرد که در کوتاهمدت و بلندمدت عدم تقارن وجود دارد و به عبارت دیگر ضرایب کوتاهمدت و بلندمدت شوک‌های مثبت و منفی باهم برابر نمی‌باشند.

در واقع با وضع مالیات بر نرخ سود سپرده بانکی با کاهش موقت حجم سپرده‌های بانکی مواجه می‌شویم که این امر موجب افزایش نقدینگی در جامعه می‌شود. با توجه به عدم وجود بسترهای مناسب و پربازده فعالیت‌های اقتصادی، عمدتاً مردم رغبتی به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد اقتصادی نداشته و با توجه به شرایط موجود و سودآوری بالاتر فعالیت‌های سوداگرانه مردم به سمت بازارهای موازی چون طلا و ارز حرکت می‌کنند که این امر موجب کاهش سطح تولید در کشور شده است. با توجه به این که یکی از اهداف اعمال مالیات بر سود سپرده بانکی گسترش پایه‌های مالیاتی و افزایش درآمد دولت در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (بند ۱۷ از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی) است، بنابراین دولت و بانک مرکزی باید نظارت جدی و کارشناسانه بر این امر داشته باشند و با مدیریت صحیح مانع از جذب نقدینگی در بازارهای مالی ناامن شده و موجبات حرکت نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی گردند. این امر موجب می‌شود در بلندمدت بعضاً برخی از سپرده-گذاران ترغیب شده و در واحدهای تولیدی و صنعتی سرمایه‌گذاری نمایند که در این صورت می‌تواند انتظار داشت تا رونق اقتصادی در بخش صنعت و تولید کشور ایجاد شود.

ب) شوک‌های مثبت و منفی نرخ سود بر درآمد مالیاتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت

جدول شماره (۴) ضرایب الگوی کوتاه‌مدت NARDL (اثر شوک مالیات بر نرخ سود بر درآمد مالیاتی)

متغیر توضیحی	ضریب
TR(-1)	-۰/۸۵۲ (۰/۰۰۰)
PB ⁺ (-۱)	-۰/۱۱۱ (۰/۱۷)
PB ⁻ (-2)	۰/۰۶۱ (۰/۲۹۷)
PB	-۰/۰۳۱ (۰/۰۰۸)
C	۰/۵۱۶ (۰/۰۰۹)

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره (۵) ضرایب الگوی بلندمدت NARDL (اثر شوک مالیات بر نرخ سود بر درآمد مالیاتی)

تأثیر بلندمدت (-)			تأثیر بلندمدت (+)			متغیر توضیحی
P>F	آماره F	ضریب	P>F	آماره F	ضریب	
۰/۰۰۴	۳/۵۱۹	۱/۳۲۱	۰/۰۸۱	۲/۵۷۸	-۱/۱۶۵	نرخ سود بانکی
عدم تقارن در کوتاه‌مدت			عدم تقارن در بلندمدت			
P>F	آماره F		P>F	آماره F		
۰/۳۷۱	۰/۸۲۸		۰/۸۹۴	۰/۰۱۸		نرخ سود بانکی

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۴) وقفه اول درآمد مالیاتی اثر منفی بر تولید ناخالص داخلی دوره جاری داشته است. از طرفی شوک مثبت نرخ سود و افزایش در نرخ سود موجب کاهش تولید ناخالص داخلی شده است. همچنین شوک منفی نرخ سود (شوک مثبت مالیاتی) نیز موجب افزایش تولید ناخالص داخلی گردیده است. از طرفی نتایج حاصل از جدول (۴) حاکی از آن است که شوک مثبت و منفی نرخ سود به ترتیب موجب کاهش و افزایش تولید ناخالص داخلی شده است. با بررسی وجود عدم تقارن جدول (۵) درباره متغیر نرخ سود بانکی می‌تواند ادعان نمود که در ضرایب بلندمدت افزایشی و کاهشی و کوتاه‌مدت افزایشی و کاهشی عدم تقارن وجود ندارد یعنی ضرایب بلندمدت و کوتاه‌مدت افزایشی و کاهشی و باهم برابر هستند.

ج) شوک‌های مثبت و منفی نرخ سود بر حجم سپرده‌های بانکی در کوتاه‌مدت و بلندمدت

جدول شماره (۶) ضرایب الگوی کوتاه‌مدت NARDL (اثر شوک مالیات بر نرخ سود بر حجم سپرده‌های بانکی)

ضریب	متغیر توضیحی
۰/۶۹۱ (۰/۰۸۰)	MDP(-1)
۱/۰۴ (۰/۰۳۲)	PB ⁺ (-2)
-۰/۳۲ (۰/۶۹۵)	PB ⁻ (-2)
-۰/۰۳۱ (۰/۰۰۸)	PB
۹/۶۲۸ (۰/۰۳۹)	C

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره (۷) ضرایب الگوی بلندمدت NARDL (اثر شوک مالیات بر حجم سپرده‌های بانکی)

تأثیر بلندمدت (-)			تأثیر بلندمدت (+)			متغیر توضیحی
P>F	آماره F	ضریب	P>F	آماره F	ضریب	
۰/۲۰۵	۱/۶۹۷	۰/۵۲۲	۰/۰۰۲	۱۱/۳۲	۰/۴۵۱	نرخ سود بانکی
عدم تقارن در کوتاه‌مدت			عدم تقارن در بلندمدت			
P>F	آماره F		P>F	آماره F		
۰/۳۲	۱/۰۳		۰/۰۰۳	۱۰/۵۹		نرخ سود بانکی

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۶) وقفه اول حجم سپرده‌های بانکی اثر مثبت بر تولید ناخالص داخلی دوره جاری داشته است. از طرفی شوک منفی نرخ سود (افزایش در مالیات بر نرخ سود) و نرخ سود موجب کاهش تولید ناخالص داخلی گردیده است. از طرفی شوک مثبت نرخ سود نیز موجب افزایش تولید ناخالص داخلی گردیده است. از طرفی نتایج حاصل از جدول (۷) حاکی از آن است که در بلندمدت شوک مثبت و منفی نرخ سود موجب افزایش تولید ناخالص داخلی شده است. با بررسی وجود عدم تقارن جدول (۷) درباره متغیر نرخ پس انداز می‌تواند اذعان نمود که در ضرایب بلندمدت عدم تقارن وجود دارد ولی در ضرایب کوتاه‌مدت عدم تقارن وجود ندارد.

د) شوک‌های مثبت و منفی نرخ سود بر حجم ورود و خروج سرمایه در کوتاه‌مدت و بلندمدت

جدول شماره (۸) ضرایب الگوی کوتاه‌مدت NARDL (اثر شوک مالیات بر نرخ سود بر ورود و خروج سرمایه)

متغیر توضیحی	ضریب
OUTFLOW(-1)	-۱/۱۹۴ (۰/۰۰۰)
PB ⁺ (-2)	-۰/۰۶۷ (۰/۵۵۹)
PB ⁻ (-2)	-۰/۱۵۹ (۰/۰۹۲)
PB	-۰/۰۳۱ (۰/۰۰۸)
C	-۳/۹۲۹ (۰/۰۴۳)

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره (۹) ضرایب الگوی بلندمدت NARDL (اثر شوک مالیات بر ورود و خروج سرمایه)

تأثیر بلندمدت (+)			تأثیر بلندمدت (-)			متغیر توضیحی
ضریب	آماره F	P>F	ضریب	آماره F	P>F	
-۰/۰۸۱	۲/۱۴۳	۰/۰۷۱	۱/۳۴۹	۳/۶۱۴	۰/۰۴۱	نرخ سود بانکی
عدم تقارن در بلندمدت			عدم تقارن در کوتاه‌مدت			
	آماره F	P>F	آماره F	P>F		
۰/۶۵۵		۰/۴۲۸	۲/۴۳۵		۰/۱۳۴	نرخ سود بانکی

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۸) وقفه اول ورود و خروج سرمایه اثر منفی بر تولید ناخالص داخلی دوره جاری داشته است. از طرفی شوک‌های مثبت و منفی نرخ سود و نرخ سود اثر کاهشی بر تولید ناخالص داخلی دارد. نتایج حاصل از جدول (۹) حاکی از آن است که در بلندمدت شوک مثبت و منفی نرخ سود به ترتیب موجب کاهش و افزایش تولید ناخالص داخلی شده است. با بررسی وجود عدم تقارن جدول (۹) درباره متغیر نرخ پس‌انداز می‌تواند اذعان نمود که در ضرایب بلندمدت افزایشی و کاهشی و کوتاه‌مدت افزایشی و کاهشی عدم تقارن وجود ندارد یعنی ضرایب بلندمدت و کوتاه‌مدت افزایشی و کاهشی و باهم برابر هستند.

با اعمال مالیات بر نرخ سود سپرده بانکی جریان خالص سرمایه به داخل کاهش می‌یابد که مطابق با نظریه گاندولفی (۱۹۸۲) است. بدین صورت که رابطه مثبت بین نرخ سود سپرده بانکی و میزان پس‌انداز مردم وجود دارد که در این راستا با اعمال مالیات میزان پس‌انداز و سپرده مردم در بانک کاهش می‌یابد. این خروج سرمایه از بانک‌ها یا به سمت بازارهای موازی دیگر همچون بازار طلا و ارز حرکت می‌کنند و یا می‌تواند با مدیریت صحیح دولت و نظارت بانک مرکزی به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی حرکت نماید. با توجه به این که در شرایط فعلی اقتصاد ایران، با بازدهی مثبت فعالیت‌های اقتصادی مواجه نمی‌باشیم در عمل این حجم سپرده خارج شده از بانک‌ها جذب فعالیت‌های سوداگرانه خواهد شد. بازدهی کم فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌تواند

مربوط به دلایلی از جمله عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری، بالا بودن ریسک تولیدات، کمبود تقاضا برای کالاهای تولید داخل و وجود تحریم‌های شدید علیه ایران باشد که مانعی جدی بر سر راه بهبود کیفی فعالیت‌های اقتصادی داخل و ورود سرمایه‌گذاری خارجی به کشور است. لازم به ذکر است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آثار قابل ملاحظه‌ای بر متغیرهای کلان اقتصادی دارد و سبب کاهش نرخ بهره و ارز، افزایش رشد اقتصادی، افزایش درآمد مالیاتی دولت، کاهش بدهی دولت، بهبود توزیع درآمد، انتقال فناوری، افزایش اشتغال، توسعه صادرات و بهبود تراز پرداخت‌ها می‌شود.

نهایتاً در راستای آزمون تصریح مناسب مدل، نتایج آزمون‌های تشخیص و آزمون والد در جدول (۱۰) گزارش شده است: نتایج حاکی از آن است که آماره برای آزمون نرمال بودن پسماندها و همبستگی سریالی آن‌ها به ترتیب برابر با $0/932$ و $0/156$ است که بیانگر آن است که پسماندها به صورت نرمال توزیع شده‌اند و از سویی وجود همبستگی سریالی در سطح معنی‌دار ۱ درصد و ۵ درصد پسماندها مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. همچنین آماره برای واریانس ناهمسانی برابر با $0/347$ است؛ بنابراین واریانس ناهمسانی نیز تأیید نمی‌گردد. نهایتاً معنی‌دار کل رگرسیون با توجه به سطح احتمال آزمون والد مورد تأیید قرار می‌گیرد. لذا نتایج ارائه شده در این بخش اعتبار علمی مدل را تأیید می‌کنند.

جدول شماره (۱۰) نتایج آزمون فرض کلاسیک

F آزمون		فروض کلاسیک
احتمال	آماره	
$0/156$	$2/032$	آزمون خود همبستگی سریالی
$0/932$	$0/14$	آزمون توزیع نرمال جملات اخلاص
$0/347$	$1/189$	آزمون ناهمسانی واریانس
$0/009$	$5/269$	آزمون والد

مأخذ: محاسبات تحقیق

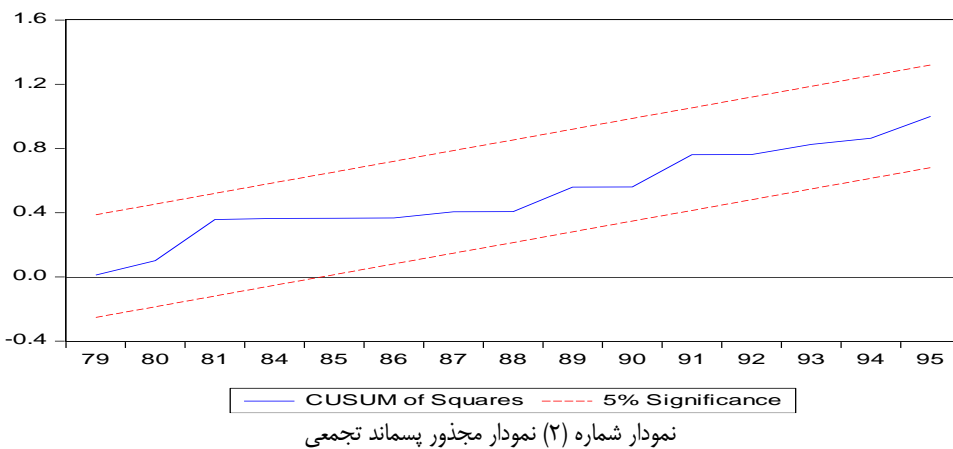
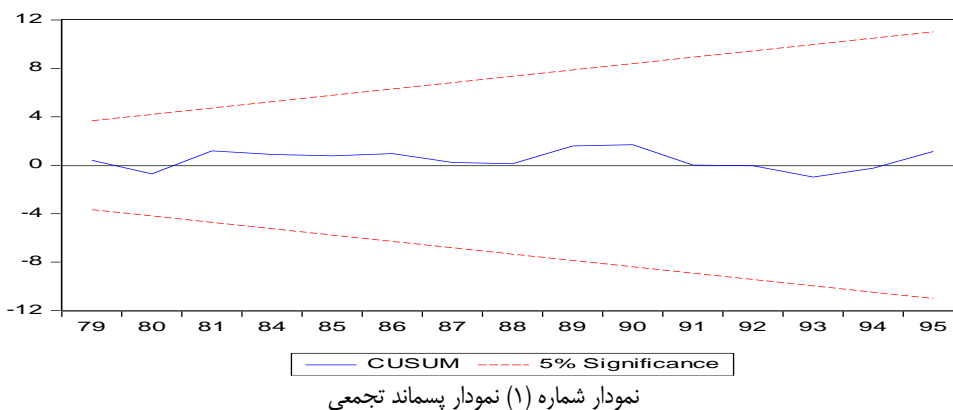
همچنین به منظور ارزیابی صحت ارتباط بلندمدت میان متغیرهای تحقیق می‌تواند از آزمون باند پسران استفاده کرد که در جدول (۱۱) آورده شده است: جدول (۱۱) نتایج آزمون هم انباشتگی باند را برای مدل مورد بررسی و همچنین مقادیر بحرانی ارائه شده توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقدار F محاسبه شده برابر $4/09$ است که بیشتر از حد بالای مقدار بحرانی در سطح پنج درصد است؛ بنابراین یک رابطه تعادلی بلندمدت متغیرهای موجود در مدل تأیید می‌شود.

جدول شماره (۱۱) نتایج آزمون باند پسران و شین

F مقادیر بدون روند (با عرض از مبدأ و بدون روند) محدود بحرانی				
۵ درصد		۱۰ درصد		سطح بحرانی
I(0)	I(1)	I(0)	I(1)	مرتب‌بندی
۲/۳۹	۳/۳۸	۲/۰۸	۳	مقدار آماره
۴/۰۹۵				محاسبه شده F آماره

مأخذ: محاسبات تحقیق

در نهایت پایداری ضرایب برآورد شده مدل نیز به کمک آزمون‌های پسماند تجمعی^۱ و مجذور پسماند تجمعی^۲ بررسی شد. نتایج این آزمون‌ها در نمودارهای (۱) و (۲) آورده شده است:



^۱ . Cumulative Sum of Recursive Residuals

^۲ . Cumulative Sum of Squares of Recursive Residuals

همان طور که ملاحظه می‌شود نمودار پسماند تجمعی از کرانه‌های تعیین شده در سطح معنی‌داری ۵ درصد عبور نکرده و فرضیه صفر (تصریح صحیح معادله رگرسیون) رد نشده است؛ بنابراین ضرایب برآورد شده در دوره مورد نظر دارای ثبات ساختاری بوده است. آزمون مجذور پسماند تجمعی از مجموع مربعات پسماندهای برگشتی استفاده می‌کند. در این آزمون نیز معمولاً سطح معنی‌داری ۵ درصد در نظر گرفته شده است. با توجه به قرار گرفتن نمودار مجذور پسماند تجمعی در محدوده کرانه‌های تعیین شده در سطح معنی‌داری ۵ درصد پایداری ضرایب برآورد شده در طی دوره مورد بررسی تأیید می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر بررسی اثرات وضع مالیات بر نرخ سود سپرده‌های بانکی بر متغیرهای اقتصادی امنیتی در راستای اقتصاد مقاومتی با استفاده از رویکرد غیرخطی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۹۵ می‌باشد. به طور کلی نتایج تحقیق حاکی از آن است که:

- اعمال مالیات بر نرخ سود سپرده بانکی باعث کاهش میزان تولید در حدود یک درصد انحراف منفی از حالت با ثبات شده و پس از طی دو دوره واکنش مثبت آن شروع می‌شود. همچنین پس از طی ده دوره تقریباً به یک حالت با ثبات می‌رسد.
- وضع مالیات بر نرخ سود سپرده بانکی موجب افزایش پایه مالیاتی و به تبع آن افزایش درآمد مالیاتی می‌گردد.
- اعمال مالیات بر نرخ سود سپرده بانکی باعث خروج منابع از بانک‌ها در کوتاه‌مدت شده و نقدینگی را در جامعه افزایش می‌دهد و پس از گذشت تقریباً دو دوره افزایش آن شروع می‌شود.
- با اعمال مالیات بر نرخ سود سپرده بانکی جریان خالص سرمایه به داخل کاهش می‌یابد.
- اولین کانالی که مالیات بر سود سپرده‌های بانکی بر پس‌انداز خانوارها تأثیر می‌گذارد، کانال نرخ بهره است. در این ارتباط با توجه به رویکرد مصرف بین دوره‌ای، کاهش در نرخ بازدهی پس‌انداز همانند افزایش قیمت مصرف در دوره‌های آتی است. با توجه به اثر جانشینی، وضع مالیات بر نرخ سود سپرده بانکی موجب عدم انتقال مصرف به دوره بعدی و در نتیجه کاهش پس‌انداز می‌شود. از طرفی اثر درآمدی این تغییر، مصرف هر دو دوره را کاهش داده و می‌تواند باعث افزایش پس‌انداز شود. با این فروض، در صورت وضع مالیات بر سود سپرده‌ها از سوی دولت، با فرض این‌که هزینه تأمین مالی خدمات مبادلاتی بزرگ باشد، تأثیر مالیات بر عرضه سپرده در این حالت از دو کانال خواهد بود: اولاً نرخ بالاتر مالیات هزینه فرصت سپرده‌ها را افزایش می‌دهد (تفاوت میان نرخ بازدهی سپرده و سرمایه‌گذاری مستقیم) و ثانیاً درآمد قابل تصرف سپرده‌گذاران را کاهش می‌دهد که هر دو اثر، حجم سپرده را کاهش می‌دهد. کامینال (۲۰۰۲) در حالت انحصاری نیز نشان می‌دهد که مالیات بر سود سپرده‌ها با کاهش سود سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران منجر به کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌شود؛ زیرا در این حالت بار مالیاتی بر عهده سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران خواهد بود و بانک‌ها از این نوع مالیات معاف خواهند بود.

- دومین کانالی که وضع مالیات بر سود سپرده‌ها می‌تواند بر حجم سپرده‌های اثرگذار باشد از طریق ترکیب سبد دارایی می‌باشد. در کل خانوارها به منظور افزایش بازده دارایی خود در هر مقطع زمانی ترکیبی از سبد دارایی را که بازدهی بیشتری داشته باشد، انتخاب می‌کنند. اگر سپرده‌گذاری در بانک به‌عنوان یکی از این نوع سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش بازدهی دارایی خانوارها در نظر گرفته شود. وضع مالیات بر سود سپرده تحت شرایطی می‌تواند منجر به کاهش پس‌انداز در بانک شده و خانوار مازاد درآمد خود را به طرق دیگر همانند خرید سهام سرمایه‌گذاری کند. تحقیقات صورت گرفته در این رویکرد بر این امر اذعان دارند که در کشورهایی که از ثبات اقتصادی و بازار مالی توسعه‌یافته‌ای برخوردارند، وضع مالیات بر سود سپرده توجیه اقتصادی دارد. ولی در جوامعی که از ثبات اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند، اخذ این نوع مالیات ممکن است موجب خروج منابع مالی از بانک‌ها و سرمایه‌گذاری در بازارهای موازی و غیرمولد مانند بازار ارز و سکه شود. در تحلیل دیگر در شرایط نا اطمینانی یا عدم ثبات اقتصادی با در نظر گرفتن دارایی‌های ریسکی و بدون ریسک، وضع مالیات بر دارایی بدون ریسک مثل سپرده بانکی که شامل سود می‌باشد، می‌تواند موجب تغییر تقاضای افراد برای دارایی بدون ریسک گردد؛ بنابراین در وضعیت نا اطمینانی، تصمیم افراد تحت تأثیر ترکیبی از ریسک و بازده دارایی‌ها و درجه عدم اطمینان شرایط موجود اقتصادی قرار می‌گیرد. در این حالت، اگر ریسک دیگر دارایی‌های ریسکی و یا عدم اطمینان موجود در فضای اقتصادی بسیار بالا باشد این امکان وجود دارد که حتی در کشورهای نظیر ایران وضع مالیات بر نرخ سود سپرده، منجر به خروج منابع از بانک‌ها نگردد.
- با توجه به نتایج تحقیق و شرایط فعلی اقتصاد کشور اعمال وضع مالیات بر نرخ سود سپرده بانکی توصیه نمی‌گردد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- بغزبان، آلبرت. (۱۳۹۶). کاهش سود بانکی با کنترل بازارهای پولی، خبرگزاری گسترش صنعت، شماره ۱۵۱.
- پروین و همکاران. (۱۳۹۱). تأثیر شوک‌های مالی بر تولید و سطح قیمت در ایران با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۶، شماره ۴، ۳۹-۲۱.
- تقوی، مهدی؛ درویشی، باقر و شیپه‌کی‌تاش، محمدنبی. (۱۳۸۸). بررسی مالیات بر عایدی سرمایه، پژوهشنامه مالیات، دوره ۱۷، شماره ۷، ۱۵۳-۱۲۱.
- خدادادکاشی، فرهاد و جانی، سیاوش. (۱۳۹۴). بررسی امکان برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در ایران با تأکید بر کارایی تخصیصی، پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۳، شماره ۲۶، ۲۵-۹.
- خوانساری، رسول و قلیچ، وهاب. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- زرین ماه، محمود. (۱۳۹۴). بررسی نرخ سود بانکی و موضوع مالیات از سپرده‌ها، خبرگزاری اقتصادی ایران.
- سلمانی بیشک؛ محمدرضا، شاهویردی دولت‌آباد، امیر و باستان، فرانک. (۱۳۹۳). بررسی اثرات درآمد مالیاتی و امنیت اقتصادی در ایران، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، دوره ۲، شماره ۷، ۹۰-۷۳.
- سیدزاده، سیدمحمد حسن. (۱۳۹۶). کاهش سود بانکی با کنترل بازارهای پولی، خبرگزاری گسترش صنعت، شماره ۱۵۱.
- مداح، مجید؛ رشیدی، رضا و سعدالدین، رضا. (۱۳۹۶). تأثیر مالیات بر سود سپرده‌های بانکی، مجله علمی تخصصی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، شماره ۲۳، جلد ۱، ۳۱-۲۱.
- میرمعزی، سید حسین. (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۷۴، ۷۶-۴۹.

منابع فارسی

- Alam, M.I. & R.M. Quazy (2003). "Determinant of Capital Flight: an Econometric Case Study of Bangladesh", *Review of Applied Economics*, Vol. 17. 85-103.
- Blanchard, Oliver J., and Roberto Perotti. (2002). "An Empirical Characterization Of The Dynamic Effects of Changes in Government Spending and Taxes On Output." *Quarterly Journal Of The Economics*, Vol.117 (November). 1329-68.
- Boiciuc, L. (2015). "The effects of fiscal policy shocks in Romania. A SVAR Approach." *Procedia Economics and Finance* 32 . 1131 – 1139

- Briguglio, L, & Cordina, G & Farrugla, N & Stephan Vella. (2009). Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements. Oxford Development Studies, Vol. 37, No. 3.
- Caminal, R. (2006). Taxation of Banks: A Theoretical Framework, digital. Csic.es/bitstream/10261/1881/1/5202.pd .
- Chung-Huashen. (2000). Are the Effect s Of Monetary Policy asymmetric? The Case of Taiwan. Journal of Policy Modeling, Volum 22:197- 218.
- Cover, J.P. (1992). Asymmetric Effects of Possitive and Negative Money Supply Shocks. Quarterly Journal of Economics, 107(NO.4): 1261-1282.
- Granger, C. W. & G. Yoon .(2002). Hidden Cointegration", University of California, Working Paper.
- Hemmelgarn, Th. and Nicodeme, G. (2009). Tax Co-Ordination in Europe: Assessing the First Years of the EU-Savings Taxation Directive. CESifo Working Paper Series No. 2675.
- J. Carr, J. E. Pesando, and L. B. Smith. (1976). Tax Effect Price Expectations and the Nominal Rate of Interest. Economic Inquiry. 259-269.
- Kandil, M. (2001). Asymmetry in the effects of US government Spending shocks: evidence and implication", The Quarterly Review of Economics and Finance, No.41.137-165.
- Karras, G. (1996). Are the Output Effect of Monetary Policy Asymmetric? Evidence from a Sample of European Countries", Oxford Bulletin of Economics and Statistics, Vol. 58. 267-278.
- Mushtaq, S. and Danish Ahmed, S. (2017). Effect of interest rate on bank deposits: Evidences from Islamic and non-Islamic economies. Future Business Journal. 3(1). 1-8.
- Sandmo, A. (1985). The Effects OF Taxation on Savings and Risk Taking, Handbook of Public Economics, vol. I.
- Schorderet, Y. (2003). Asymmetric Cointegration", University of Geneva.
- Shin, Y., Yu, B. and M. Greenwood-Nimmo .(2011). Modeling Asymmetric Cointegration and Dynamic Multipliers in a Nonlinear ARDL Framework", Mimeo.

